

بحث در تقریب سوم اولویت بود. این تقریب را بیان کردیم اما برای توضیح کلام شیخنا الاستاد قدس سره که تاحدودی مندمج است بار دیگر تقریب سوم را بیان می کنیم.

این کلام را به سه تقریب تجزیه می کنیم. دو تقریب برای بیان اولویت و یک تقریب دیگر که از کلام ایشان استفاده می شود را دلیل سوم بحث قرار می دهیم

### **تقریب سوم اولویت به بیان دیگر: اولویت طهارت سرکه غیر منقلب از خمر نسبت به سرکه منقلب از آن.**

**مقدمه اول:** از صحیحہ عبدالعزیز مہدی استفاده می شود اگر عصیر تبدیل به خمر و بعد تبدیل به خل شد پاک می شود. زیرا سائل این گونه سوال کرده است:

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُثَيْدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّصَا ع جُعِلْتُ فِدَاكَ الْعَصِيرُ يَصِيرُ خَمْرًا فَيُصَنَّبُ عَلَيْهِ الْخَلُّ وَ شَيْءٌ يُغَيِّرُهُ حَتَّى يَصِيرَ خَلًّا قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ. [1]

سوال در موردی است که عصیری تبدیل به خمر و سپس به خل تبدیل شده است.

**مقدمه دوم:** به حسب اطلاق یا ترک استفصال، امام علیہ السلام سوال نکردند که آیا عصیر غلیان پیدا کرد و خمر شد و یا این که عصیر بدون غلیان تبدیل به خمر شده است. و در سوال سائل مفروض نیست که عصیر غالی بوده است و بعد تبدیل به خمر شده است. پس هم به حسب ترک استفصال امام و هم اطلاق کلام سائل یا کلام امام، همه صور شامل فرمایش حضرت می شود. در نتیجه چه عصیر غلیان پیدا کرده باشد و نجاست عصیری را پیدا کرده باشد و چه مستقیماً و بدون حصول نجاست عصیری تبدیل به خمر شده باشد در هر دو صورت وقتی تبدیل به سرکه شد پاک می شود.

**مقدمه سوم:** از اطلاق و ترک استفصال استفاده می شود خل شدن مطهر است چه نجاست فقط خمریه باشد و چه اجتماع نجاستین (عصیریه و خمریه) شده باشد. این اجتماع به انضمام است در صورتی که فائل به معقول بودن اجتماع دو نجاست در شیء واحد شویم مثل این که چیزی هم به بول و هم به دم متنجس شود. اما اگر بگوییم انضمام معقول نیست نجاست مؤکده ای از اجتماع حاصل می شود.

پس حاصل این دو مقدمه این است که امام علیہ السلام خل شدن را مطهر می دانند سواء این که در منقلب منه دو نجاست وجود داشته باشد و یا فقط نجاست خمریه وجود داشته باشد

**مقدمه چهارم:** وقتی روایت دلالت بر این داشت که انقلاب در صورت اجتماع دو نجاست مطهر است به اولویت دلالت دارد بر این که در صورت انفراد هر کدام از دو نجاست نیز مطهر است. یعنی چه نجاست عصیریه ای باشد که تبدیل به خمر نشده است

و چه نجاست خمریه ای باشد که مسبوق به عصیر مغلی نباشد به طریق اولی با انقلاب از بین می رود.

این اولویت اگر عقلیه نباشد مسلماً عرفیه است.

## تقریب چهارم اولویت:

بیان دومی که از عبارت ایشان می توان استفاده کرد و آن را تقریب چهارم قرار داد.

این تقریب همان تقریب سوم است با استبدال مقدمه دوم.

مقدمه دوم این بود که به حسب اطلاق و یا ترک استفصال از روایت استفاده می شود که هر دو مورد را شامل میشود اما در این بیان می فرمایند به قطع یا اطمینان(نه به حسب اطلاق یا ترک استفصال) سوال سائل شامل موردی که عصیر غلیان پیدا کرده نیز می شود. به یکی از دو وجه:

وجه اول این که تکویناً فرآیند تبدیل عصیر به خمر به گونه ای است که غلیان حاصل می شود و اساساً عصیر بدون این که غلیان پیدا کند تبدیل به خمر نمی شود. بنابراین دائماً عصیری که تبدیل به خمر می شود غلیان پیدا می کند. در این صورت قهراً غلیان عصیری در سوال سائل وجود دارد.

وجه دوم این که اگر چه غلیان عصیر قبل از تبدیل به خمر دائمی نیست اما نادراً اتفاق می افتد عصیری قبل از غلیان تبدیل به خمر شود و این فرد نادری است. در این صورت نیز اطمینان پیدا می کنیم که سوال سائل ناظر به فرد رایج است. زیرا عقلانی نیست که کسی سوال کند از طبیعتی که افراد نادره دارد و نظر به فرد نادر داشته باشد بدون نصب قرینه. همان گونه که اگر کسی برای سوال از احکام خنثی از طبیعت انسان استفاده کند بدون این که قرینه ای قرار دهد صحیح نیست.

بنابراین یا فرد رایج مورد سوال سائل است یا این که همه موارد مقصود اوست. در نتیجه این فرد رایج حتماً مورد مقصود راوی است و احتیاجی به اثبات مطلب از طریق اطلاق و ترک استفصال نداریم. به عبارت دیگر در سوال از یک طبیعت اطلاق، انصراف از خصوص فرد نادر دارد

پس وقتی جواب امام علیه السلام صورت اجتماع دو نجاست را شامل شود به اولویت عرفیه موردی که بدون نجاست خمریه است را نیز شامل می شود.

## دلیل سوم

مطلب سومی که از کلام ایشان استفاده می شود که باید آن را دلیل سوم قرار داد زیرا ربطی به اولویت ندارد.

طبق هر دو تقریب روایت موردی که ...

به این مطلب ضمیمه می کنیم این امر قطعی و مسلم را که قطعاً خمر شدن دخالتی در طهارت نجاست عنیه ندارد. زیرا مسلماً این گونه نیست که برای طهارت یک شیء نجاست باید نجاست شدیدتری واسطه شود. پس از روایت می فهمیم که وقتی نجاست عصیره با خمر بود پاک می شود اما قطع داریم که دخالت خمریه دخالت ندارد بلکه مورد به این گونه بوده است که با هم بودن است.

**و مقتضاه و إن كان مطهّرة التخليل بالنسبة إلى العصير الذي صار خمرًا و ليس المفروض فيه حصول الغليان إلّا أنّ صيرورته خمرًا لا مدخلية له في الطهارة قطعاً؛ فالعصير العالي إذا صار خمرًا ثم صار خلًّا و مع ذلك حكم بطهارته يحكم بطهارته أيضاً إذا صار خلًّا قبل أن يصير خمرًا بالأولوية، و حصول الغليان في العصير المنقلب إلى الخمر ثم إلى الخلّ غالبیّ إن لم يكن دائماً.**

شرح العروة الوثقى (للحائری)، ج 2، ص: 359

از صدر و ذیل کلام دو تقریب به دست می آید و از عبارت **صيرورته خمرًا لا مدخلية له في الطهارة قطعاً؛** دلیل سوم استفاده می شود.

### **بررسی تقریب سوم**

مقدمه اول و دوم صحیح است.

در مورد این که اگر نجاستی هنگام برانگور عارض شود و بعد تبدیل به خمر و بعد تبدیل به خل شود در این صورت علما فرموده اند پاک نمی شود زیرا روایت فقط در مورد خمر است نه نجاست خارجی اما این مورد با مورد ما متفاوت است. زیرا آقای حائری می فرمایند که این مورد شامل روایت می شود زیرا فرد رایجی است اما این که انگور مثلاً بواسطه دست کسی نجس شود فرد رایجی نیست که روایت شامل آن شود.

اما آن چیزی که می خواهیم عرض کنیم که آقایان تأمل دارند و اولویت نمی گویند کأن هر کدام از نجاسات حکم خودشان را دارند. در اینجا نیز ممکن است وقتی دو نجاست با هم باشند یک اثری دارد و یک فعل و انفعالاتی در آن ایجاد می شود که بواسطه خل شدن پاک می شود.

علما وقتی دو نجاست با هم جمع می شود نمی گویند دو نجاست با هم اجتماع کرده اند بلکه می فرمایند که یک نجاست ویژه ای به وجود می آید.

عرف هم این خصوصیات را مورد توجه قرار می دهد زیرا وقتی شارع در این ابواب جمع بین متفرقات و تفریق بین مجتمعات می کند فلذا عرف وقتی توجه به شرع می کند این خصوصیات را مورد توجه قرار می دهد.

...

وقتی نجاست ذاتیه غیر عنوانیه اجتماع با نجاست خمریه پیدا کرد منک می شود و راه زوال آن، تخلیل می شود اما ممکن است وقتی به تنهایی وجود دارد این خصوصیت را

نداشته باشد.

پس عند الاجتماع ممکن است زوالش به تخلیل باشد اما عند الانضمام این نباشد پس اولویت قطعیه وجود ندارد.

#### بررسی دلیل سوم

این که فرمودند ما قطع داریم که آمدن نجاست قطعیه دخالت دارد معلوم نیست زیرا ممکن است دخالت داشته باشد و اندکاک عصیر در خمر باعث این شود که با زوال خمر عصیر نیز زائل شود اما وقتی اندکاک نداشته باشند چون نجاست بر روی جسم عصیر است با تخلیل زائل نشود.

این دلیل اگر دلیل قبلی پذیرفته شود تنها می تواند به عنوان مؤیدی قرار گیرد.

#### دلیل چهارم

عبارت است از تمسک به عمومات و اطلاقات حل.

و خل به دو صورت ساخته می شود بعضی از عصیرهای مغلی است و بعضی از عصیرهای غیر مغلی و بعضی از غیر عصیر.

آقای خویی فرموده اند که این دلیل اصلی در مقام است.

#### اشکال دلیل چهارم

قبلا اشکالی می کردیم که ارتکاز این که طرف باعث نجاست می شود ممکن است جلوی این دلیل را بگیرد. حال آیا این ارتکاز در اینجا هم مضر هست یا نه.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.